



سلامی به حضرت آقای دعایی

سلامی چو بوی خوش آشنایی

حجت الاسلام سیدمحمود دعایی کیست؟ آنچه من می دانم و می توانم بگویم اینست که اگر دعایی را بشناسی نمی توانی او را دوست نداری یا به او احترام نگذاری. دعایی مردی ساده و بی تکلف و بی ادعا اما خوش سخن و خوش قلم و اهل وفا و دوستی است. اهمیت این قضیه وقتی آشکار می شود که بدانید دعایی مرد سیاست و سیاسی است. او از آغاز جوانی تاکنون یعنی در همه عمر، سیاسی بوده است. چگونه می شود در عصر ما یک مرد سیاسی سی و پنج سال از عمرش را (حتی اگر نماینده مجلس باشد که بیست و چهار سال از این سی و پنج سال را در مجلس گذرانده است، بی آنکه از مجلس حقوقی دریافت کند) با سادگی و صفا از بام تا نیمه های شب سوار بر یک پیکان قراضه در خدمت اهل فرهنگ و معرفت گذرانده باشد. مگر زمان ماکیاولی و هابز و اسپینوزا سپری شده و سیاست با وفا و اخلاق صلح کرده است؟

من چون نشانه ای از این صلح در هیچ جای جهان نمی بینم بنا را بر این می گذارم که میانه دعایی با سیاست شکرآب شده است. یعنی او دیگر سیاسی نیست هرچند که او را در مقام و موقع سیاسی بشناسند. شواهدی هم بر این مدعا دارم. آقای دعایی در سی و پنج سال اخیر تا آنجا که من به یاد دارم هرگز موضع سیاسی صریح اتخاذ نکرده است. شاید آن یک بار موضع گیری در مجلس هم برای رعایت عهد دوستی بوده است. این اعراض را حمل بر این نباید کرد که او شجاعت دوران جوانی خود را از دست داده است. قرار گرفتن در جانب اهل نظر و ادب و فرهنگ شجاعتی بیشتر از قرار گرفتن در کنار این یا آن جناح سیاسی می خواهد. زیرا کسی که خطر می کند و به یک جناح سیاسی می پیوندد گرچه در جنگ وارد می شود اما پناه و پشتیبان هم دارد. اما کسی که ترجیح می دهد در خدمت معرفت و فرهنگ باشد، پشتیبانش خداست و باید به او اعتماد و توکل کند به این جهت در این زمانه به فرهنگ و معرفت

دل بستن، وضعی نادر و کاری دشوار است. اهل فرهنگ جناح و جبهه و عُدّه و عُده ای ندارند که از یکدیگر حمایت کنند و از این حیث با سیاستمداران قابل قیاس نیستند اما اینکه حمایت سیاست از اشخاص دیرپا و مستدام نیست و با یک اتفاق یا اتخاذ تصمیم ناگهانی پایان می یابد ولی اهل فرهنگ و معرفت یک حامی پنهان دارند که در زمان از آنها حمایت می کنند. این حامی همان تاریخ است که خوبی ها و زیبایی ها را نگاه می دارد و زبشتی ها و پلیدی ها را هم نشان می دهد. به هر حال دعایی در جانب اهل فرهنگ است. کسانی که با شخص دعایی از نزدیک آشنا نیستند از طریق روزنامه اطلاعات می توانند او را بشناسند. پیداست که هرچه در روزنامه چاپ می شود نظر مدیر و سردبیر نیست اما هر روزنامه ای مثنی و شیوه و دستورالعملی دارد. می گویند روزنامه اطلاعات سرد است و در آن رخداد هیچان آفرین وجود ندارد و این را کسانی می گویند که معتقدند روزنامه باید میدان کشمکش ها و نزاع ها و منشاء شایعه ها و متضمن خبرهای داغ باشد و از این طریق است که مشتریان روزنامه بیشتر می شود. حمله به این و آن و نشر شایعه و تهمت و افترا وسیله مناسبی است تا همه منتظر انتشار روزنامه باشند اما این شیوه روزنامه نویسی اخلاقی نیست و مرد اخلاق به آن رضایت نمی دهد. روزنامه اطلاعات هر چیزی را چاپ نمی کند، به کسی تهمت نمی زند و ناسزا نمی گوید، از هیچ جناح سیاسی جانبداری بیهوده و متعصبانه نمی کند. نوشته های صاحبان آراء متفاوت را چاپ می کند. نمی-خواهم بگویم که روزنامه اطلاعات، جامع همه محاسن یک روزنامه است زیرا من نمی دانم یک روزنامه چه محاسنی باید داشته باشد. امر محرز اینکه روزنامه اطلاعات روزنامه ای نجیب است و این نجابت انعکاس روحیه و صفت مدیر و گردانندگانش باید باشد. گمان نشود که اینها را به حکم دوستی می گویم. دعایی دوست داشتنی و ستودنی است و به این جهت او را دوست می داریم و می ستاییم. او مرد صفا و دوستی و وفا و صمیمیت است. زندگی ساده و رفتاری بی تکلف دارد. شیرین زبان و شوخ طبع و بذله گو است. حیف که کم حرف می زند و کمتر می نویسد. این هم از خویشترنداری اوست. پس از این مقدمه در پاسخ پرسش دعایی کیست؟ می توان گفت او مردی فاضل و فرزانه و سخندان و بسیار متواضع است که ساده زندگی می کند و زندگی اش یکسره در خدمت دانش و فرهنگ و دانشمندان و فرهیختگان می گذرد. ما هنوز دعایی را به درستی نشناخته ایم و قدر او را چنانکه باید نمی دانیم و بدتر اینکه نمی دانیم در زمانه ای که خیرات و فضائل رو به تراجع و ادبار دارد، دعایی بودن و مثل دعایی زندگی کردن تا چه اندازه دشوار است ولی باید امیدوار بود که نسل فردا یا همین نسلی که تازه وارد مدرسه شده است امثال دعایی را که متأسفانه چندان زیاد نیستند، بهتر بشناسد و حرمت بگذارد و به ایشان تأسی کنند هر چند که دعایی بودن هنری دشوار است و از عهده همه کس بر نمی آید.